

گور تپه میداس

بهمن فیروزمندی شیره جینی^۱

ایرج رضایی^۲

چکیده:

واژگان کلیدی: تومولوس، فریژی‌ها، گوردیون، شاه میداس، قارچ سافت-روت

فریژی‌ها:

فریجیا یا فریژیّه ناحیه‌ای است باستانی در قسمت غربی آناتولی مرکزی واقع در ترکیه امروزی (تصویر ۱) که از ۱۲۰۰ ق.م با ورود اقوام فریژی آباد و از قرن هشتم تا ششم ق.م شکوفا شده است. بعد از آن نیز این ناحیه تحت نفوذ لیدی‌ها، پارس، روم و بیزانس قرار داشته است. وجه تسمیه آن مردمانی یونانی به نام فریگ‌ها یا فریژها بوده است که ما بین سقوط هیتی‌ها (قرن ۱۲ ق.م) و ظهور لیدی (قرن ۷ ق.م) برای این ناحیه تسلط یافتند.

فریژی‌هائی که در ۱۲۰۰ ق.م در آناتولی استقرار یافتند از بالکان آمده و ظاهراً با زبان هندواروپائی صحبت می‌کردند. این پادشاهی که در اسطوره‌های یونانی با نام میداس و گوردیوس گره خورده است، از قرون هشت تا شش ق.م شکوفا شده و مدنی پس از آن که با

آسیای صغیر یا آناتولی سایت‌های باستانی زیادی را از ادوار پیش از تاریخ و تاریخی در خود جای داده است. گوردیون پایتخت فریژیّه باستان یکی از این سایت‌هاست که از آن به عنوان مقر شاه میداس یاد می‌شود. ما با میداس از طریق افسانه‌ها و روایاتی که به او منتسب است و هم چنین کشفیات باستان‌شناسی انجام شده در مقبره اش آشنا هستیم. در افسانه‌های یونانی میداس به خاطر توانائی اش در تبدیل اشیاء به طلا، مشهور است. در ۱۹۵۷ رودنی‌یانگ باستان‌شناس، مقبره‌ای واقع در گوردیون را باز کرد و شاه میداس واقعی به طور غیر منتظره‌ای از مرز بین افسانه و واقعیت بیرون آمد. با مطالعات اخیر که به کمک تکنیک‌های جدید علمی بر روی بقایای چوبی اتاق مقبره، اسکلت شاه و سایر آثار به جای مانده از تومولوس میداس انجام گرفته است، محققین توانستند به اطلاعات ارزشمندی در ارتباط با وضعیت جسمی شاه، علل تخریب چوب به کار رفته در ساختمان اتاقک تدفین، نوع غذای مورد استفاده در مراسم تدفین و نظیر آن دست یابند.

۱ - عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

(<http://en.wikipedia.org/wiki/Tumulus>)

تحولات شهر گوردیون:

حفاری‌های چندسال گذشته در گوردیون نشان داد که در این ناحیه از آغاز هزاره سوم ق.م استقرارهایی وجود داشته و بین سال‌های ۱۲۰۰-۲۰۰۰ ق.م این شهر یکی از پایگاه‌های مهم هیتی‌ها بوده که کلتی‌های آشوری نشین نیز در آن حیات داشته است. شهر با استقرار فریژی‌ها در قرن نهم ق.م بیشتر فعال شد و در قرن هشتم ق.م تحت حکومت آن‌ها به اوج شکوفایی و ترقی خود رسید.

(<http://en.wikipedia.org/wiki/Tumulus>)

در ۶۹۶ ق.م آن‌ها در قلب استقرار خود متحمل نبرد سنگینی با کیمری‌ها شدند که در نتیجه آن شهر ویران شد، دژهای فریژی آتش گرفت و آن‌ها به سوی دریای اژه رانده شدند. شاه میداس که نمی‌خواست شاهد انهدام و خرابی‌ها باشد، با نوشیدن خون گاونر خود را کشت.

(http://www.geocities.com/anadolu_muzesi/urartu/phrigya.html)

پس از آن لیدی‌ها شهر را بازسازی کردند اما در سال‌های ۴۶-۵۴۷ ق.م کوروش^{۱۴} و سپاهیان‌ش دوباره آن را ویران ساختند. با این وجود تحت تسلط پارس‌ها این شهر دوباره جایگاهش را به عنوان یک مرکز تجاری و نظامی به دست آورد. در ۳۳۳ ق.م اسکندر مقدونی گوردیون را از کنترل پارس‌ها خارج کرد اما پس از آن در ۲۷۸ ق.م دوباره به وسیله گل‌ها^{۱۵} تخریب و سرانجام برای آخرین بار در سال ۲۰۰ میلادی شهر به طور کامل ویران شد.

(<http://en.wikipedia.org/wiki/Gordium>)

بناها و آثار گوردیون:

قبرهای قرون ۱۷ و ۱۶ ق.م هیتی‌ها در گوردیون کاوش شده و بعضی اشیاء آن هم اکنون در موزه تمدن‌های آناتولی در آنکارا نگهداری

حمله کیمری‌ها سقوط کرد، تحت تسلط لیدی‌ها درآمد. فریژی‌ها برای یونانی‌ها بیشتر به عنوان منبعی برای تأمین برده و به عنوان مرکزی برای آئین کبیل^{۱۳} شناخته شده بود. هومر به فریژیایی‌هایی که در ساحل رود سانگاریوس (ساکاریای کنونی دومین رود بزرگ در ترکیه امروزی) استقرار داشتند، اشاره می‌کند. طبق گفته هرودت ارمی‌هایی که در قرن هفتم ق.م به نواحی اطراف دریاچه وان حرکت کردند مهاجرین فریژیایی بوده اند.

(<http://www.answers.com/topic/tumulus>)

منشاء و مبدأ فریژی‌ها: این قبایل مهاجر را به عنوان

مردم دریای اژه^۴ می‌شناسند. فریژی‌ها از اقوام تراس^۵ با منشای نژاد اروپایی هستند که در حدود ۱۲۰۰ ق.م وارد آناتولی شدند. در ابتدا آن‌ها در آناتولی مرکزی ساکن شده و استقرارهایی روی بقایا و خرابه‌های شهرهای قدیمی‌تر هیتی مانند هاتوساس^۶، آلاکاهیوک^۲، بازارلی^۸ و آلیشار^۹ بنا کردند.

(http://www.geocities.com/anadolu_muzesi/urartu/phrigya.html)

گوردیون و آثار آن: گوردیون یا گوردیوم^{۱۰} پایتخت پادشاهی

فریژی‌ها که از آن به عنوان پایتخت احتمالی مشیج^{۱۱} نیز نام برده شده است، در محل تقاطع جاده شاهی پارس با رود سانگاریوس^{۱۲} (ساکاریا^{۱۳}) واقع شده (تصویر ۱) و یک مرکز فعال تجاری بوده است. یک سند برای تجاری بودن مشیج، دادوستد برده و برنز است که در عهدنامه از کبیل^{۱۴} به آن اشاره شده است.

(<http://en.wikipedia.org/wiki/Gordium>)

(<http://www.allaboutturkey.com/gordion>)

احتمالاً فریژی‌ها پایتخت خود گوردیون را در در آغاز سده هشتم ق.م برپا کرده اند. خرابه‌های این شهر هم اکنون در ناحیه پلاتلی^{۱۵} در آنکارای ترکیه قرار دارد.

3- Cybele

4- Aegean

5- Thrace

6- Hattusas

7- Alacahöyük

8- Pazarli

9- Alisar

10- Gordium

11- Meshech

12- Sangarius

13- Sakarya

14- Ezekiel (حزقیل یکی از پیامبران یهود است)

15- Polath

16- Cyrus

17- Gauls

داخل قاب‌هایی به شکل لوزی ترسیم شده است.

(http://www.geocities.com/anadolu_uzesi/urartu/phrigya.html)

محتویات یک تومولوس سلطنتی در گوردیوم، مهارت صنعتگران فریزی را در سایر موارد از جمله تولید شیشه نیز تأیید می‌کند. در هنر فریزی‌ها، قصرها و ساختمان‌های عمومی اولین نمونه‌های شناخته شده دارای الگوهای تزئینی هندسی در آناتولی اندک‌ه با نقوش رنگارنگی ایجاد می‌شد. به نظر می‌رسد هنرمندان با تکنیک موزائیک کاری و سببایقی نیز آشنا بوده اند.

(<http://en.wikipedia.org/wiki/Gordium>)

تومولوس و تومولوس‌های ترکیه:

واژه تومولوس که جمع آن تومولوی می‌باشد به تپه‌ای مصنوعی از خاک و سنگ اطلاق می‌شود که بر روی قبر یا قبرهایی ایجاد شده است. تومولوی یا تومولوس‌ها هم چنین به عنوان کورگان^{۱۸}، پشته^{۱۹}، تپه تدفین^{۲۰} و غیره شناخته شده و در بیشتر نقاط دنیایافت می‌شوند. تومولوسی که از مقدار زیادی سنگ تشکیل شده معمولاً به طور کامل سنگی است که به عنوان یک کرن^{۲۱} (قبر سنگ) مطرح می‌باشد.

در شبه جزیره آناتولی چندین سایت وجود دارد که می‌توان حتی بزرگترین نمونه‌های موجود از این تپه‌های دست‌ساز را در میان آن‌ها مشاهده کرد. تومولوس‌های لیدییه در منطقه اژه آناتولی با عنوان بین تپلر^{۲۲} (به معنی هزارتپه در زبان ترکی) که در جنوب غرب ناحیه شمالی هسی^{۲۳} از ایالت مانیسا^{۲۴} و ساحل جنوبی دریاچه مارمارا^{۲۵} (گیگزیاگیگا)^{۲۶} قرار دارد، از لحاظ تعداد و اندازه بسیار مهم می‌باشند. بین تپلر یک قبرستان لیدیایی است که قدمت آن به قرون ۷ و ۶ ق.م برمی‌گردد. این تپه‌ها به اهرام آناتولی معروف هستند که نمونه بزرگ آن‌ها حتی تا ۳۵۵ متر قطر، ۱۱۵ متر محیط و ۶۹ متر ارتفاع دارد. باتوجه به محاسبات هرودت این تومولوس بزرگ متعلق به پادشاه معروف لیدی‌ها آلیاتر دوم^{۲۸} است که بین ۵۶۰-۱۹ ق.م حکومت

می‌شود. در خود گوردیون حدود یکصد قبر به شکل تومولوس مربوط به شخصیت‌های برجسته به دست آمده که بین دوران فریزی‌ها و گالاتیان^{۱۸} زندگی می‌کرده اند.

(<http://en.wikipedia.org/wiki/Gordium>)

هنر فریزی:

هنر فریزی‌ها به تناوب به وسیله هنر هیتی و هنر اتروسک‌های ایتالیا تحت تأثیر قرار گرفته است. با این وجود آن‌ها به طور مستقیم تحت نفوذ هنر اورارتو در شرق آناتولی بوده اند. برای مثال آن‌ها پیکره به شکل سرگاو را از اورارتوها گرفته و آن را روی یک دیگ در قالب کاملاً فریزی به کار برده اند. سنگ معدن فلز شناخته شده بود و در فلز کاری در طول ادوار آغازین و میانی برنز از ۲۵۰۰ ق.م به کار می‌رفت با این وجود فقط از حدود ۱۰۰۰ ق.م که اشکال فلز کاری فریزی از ظروف فلزی و سفالی اقتباس شد، مورد استفاده عموم قرار گرفت. این هنر را می‌توان به طور کلی به سه گروه تقسیم بندی کرد:

۱- مصنوعات محلی فریزی^{۲۷}- مصنوعات وارداتی اورارتو^۳- کالاهای وارداتی آشوری.

(http://www.geocities.com/anadolu_muzesi/urartu/phrigya.html)

فریزی‌ها در فلز کاری، کنده کاری روی چوب، قالبی بافی و بافندگی منسوجات دارای مهارت بودند. حفاری‌های انجام شده از سال ۱۹۴۵ به بعد منجر به کشف قبور سنگی حجاری شده و معابدی در این جا شده است. سفال شاخص فریزی موسوم به ظروف جلادار در قرن هشتم ق.م ظاهر می‌شود.

(<http://www.answers.com/topic/tumulus>)

سفال دوره فریزی از نوع چند رنگ (پلی کروم) ظریف بوده که از ظروف قبل و بعد خود متمایز است (تصویر ۷). این هنر بعد از ۹۵۰ ق.م به خاطر تسلط لیدی‌ها بر آناتولی ناچار به پذیرش تأثیرات غرب آناتولی شد. در تضاد با نقوش هیتی‌ها، در ظروف فریزی الگوهای تزئینی در

18- Galatians

19- Kurgans

20- barrows

21- burial mounds

22- Carin

23- Bin Tepeler

24- Salhili

25 - Manisa

26- Marmara

27- Gyges or Gygaea

28- Alyattes II

حفاری و کاوش شده است. این تپه‌ها بین قرون هشتم و دوم یا سوم ق.م ساخته شده است.

(<http://en.wikipedia.org/wiki/Tumulus>)

تومولوس میداس و آثار درون آن:

تومولوس میداس (تصاویر ۳ و ۴) و موزه ای که به تازگی در طول خیابان آن توسعه یافته در دهکده یاسی هیوک^{۳۶} امروزی و در حدود ۶۰ مایلی غرب آنکارا قرار دارد. به اعتقاد بسیاری این گور تپه، که بزرگترین تومولوس موجود در سائیت گوردیون است، مربوط به شاه معروف فریژی‌های یعنی میداس است. این تپه در سال ۱۹۵۷ کاوش شد و اشیاء برنزی چندی از اتاق تدفین چوبی آن به دست آمد. (تصاویر ۱۰-۸) در میان این اشیاء، کاسه‌های أمفالوس^{۳۷} و سنجاق قفلی‌های مشهور فریژی دارای اهمیت بیشتری هستند (همان منبع).

حفاری‌های باستان‌شناسی در تومولوس میداس:

در ژوئن ۱۹۵۷ میلادی وقتی بقایای جسد شاه میداس اول، حاکم فریژی در قرن هشتم ق.م در دستان الن کوهلر^{۳۸} باستان‌شناس عضو تیم دانشگاه پنسیلوانیا که مقبره شاهی یا تومولوس میداس را در گوردیون حفاری می‌کرد قرار گرفت، تیم که به وسیله دکتر رودنی یانگ هدایت می‌شد، انتظار داشت که مقبره جسد میداس یعنی شاه گوردیوس که بین ۷۲۵-۷۲۰ ق.م فوت کرده بود را در اینجا بیابد. یانگ شخصاً فکر می‌کرد که چون میداس خودکشی کرده بنابراین فاقد اعتبار لازم برای دفن در چنین مقبره باشکوهی بوده است. با این وجود امروزه بیشتر کارشناسان از جمله کوهلر^{۳۹} دیگر عضو تیم یانگ و دکتر جان پراگ^{۴۰} از موزه منچستر باور دارند که این جسد و مقبره مربوط به میداس است، مردی که در اطراف او افسانه‌های زیادی از گذشته مانده است. بنا به گفته پراگ ویرانی فریژه توسط کیمری‌ها به حیات پادشاهی پایان نداد بلکه برای ۱۵۰ سال دیگر شکوفا ماند. حفاران برای دسترسی به اتاق تدفین، کوتاه‌ترین مسیر را از ضلع جنوبی با عملیات متد زنی

می‌کرد. در این سایت ۷۵ تومولوس مربوط به دوره لیدی‌ها وجود دارد که مربوط به نجبا می‌باشد.

(<http://en.wikipedia.org/wiki/Tumulu>)

سایر سایت‌های تومولوس دار لیدی‌ها در اطراف ناحیه اشمه^{۴۱} در ایالت اوشاک^{۴۲} قرار دارد. تپه‌های ویژه در این سایت به وسیله مهاجمان در ۱۹۶۰ غارت شد و گنجینه‌های لیدیائی پیدا شده در اتاق‌های تدفین به آمریکا قاچاق شد که بعدها پس از یک سری مذاکرات به ترکیه واگذار گشت.

این اشیاء هم اکنون در موزه ی باستان‌شناسی اوشاک در معرض دید قرار دارند. تدفین در این تومولوس‌ها ممکن است درون یک جعبه، یک محوطه یا محفظه تدفین، و یا یک اتاق برای جسد فرد مرده صورت گرفته باشد. تپه نمروت^{۴۱} در ۸۶ کیلومتری شرق ایالت آدیامان^{۴۲} تپه قرار دارد و به ناحیه کاهتا^{۴۳} از همان ایالت نزدیک است. تومولوس کوماژن^{۴۴} در این تپه ۱۵۰ متر قطر و ۵۰ متر ارتفاع دارد. این مقبره متعلق است به کوماژن، آنتیوخوس اول^{۴۵} که بین سال‌های ۶۹-۴۰ ق.م حکومت می‌کرد. جالب‌ترین نکته درباره این تومولوس ساخته شدن از قطعات مختلف سنگ است که باعث بی نتیجه ماندن تلاش‌های کاوش و حفاری شد. تومولوس به وسیله تراس‌های تشریفاتی در شرق، غرب و شمال احاطه شده است. از تراس‌های شرق و غرب پیکره‌های عظیمی که بلندای آن‌ها به ۸ تا ۱۰ متر می‌رسد به دست آمد، هم چنین نقوش برجسته ای از خدایان والهه‌های پارسی و رومی در معبد کوماژن کشف شده است. بیشتر یافته‌های به دست آمده از تومولوس‌های ترکیه در موزه آنکارا نگهداری می‌شوند که عمدتاً عبارتند از: مبل‌مان مزین به ترصیع عاج (از دوره قبل کیمری‌ها) مجسمه‌های چوبی، ظروف، دیگ‌های برنزی، جواهرات عمدتاً برنزی و تصاویری از کیبل الهه مادر که در مراسم مذهبی استفاده می‌شد.

(<http://en.wikipedia.org/wiki/Tumulus>)

تومولوس‌های گوردیون:

در این سایت حدود ۹۰-۸۰ تومولوس وجود دارد که مربوط به فریژی‌ها، پارس‌ها و دوره هلنی است. تاکنون تنها ۳۵ تومولوس

29 - Esme²⁷

30-Usak

31- Nemrut

32- Adiyaman

33- Kahta

34- Commagene

35- Antiochus

36- Yassihöyük

37- omphalos bowls

38- Kohler

39- Kohler

40- Dr. John Prag

رسم نبوده که هدایای تدفینی از طلا رایج کس کنند.^{۴۱}

(http://www.geocities.com/anadolu_muzesi/urartu/phrigya.html)

مصنوعات به دست آمده از تومولوس میداس در حال حاضر در موزه تمدن‌های آناتولی در آنکارا قرار دارد.

میداس افسانه یا واقعیت؟!

”من یک دوشیزه برنزی هستم و روی قبر میداس قرار گرفته‌ام، بنابراین تا وقتی که آب جاری است و (تا وقتی که) درختان بلند، برگ می‌گسترانند، در این مکان به سوگ نشسته باقی می‌مانم، من باید برای رهگذران تعریف کنم که میداس اینجا آرمیده است.“ (کتیبه قبر، افلاطون، فاندروس^{۴۲})

(<http://homepage.mac.com/cparada/GML/Midas.html>)

از لحاظ تاریخی میداس به عنوان شاه فریژی‌ها در پایان قرن هشتم ق.م شناخته می‌شود. فریژی‌ها شاهان زیادی داشت که میداس نام داشتند، میداس مورد نظر ممکن است همان شاهی باشد که در اسناد سارگن^{۴۳} آشوری به تاریخ ۷۰۹ ق.م از او با عنوان -میتا پادشاه موشکی^{۴۴} نام برده شده است.

(http://cgi.ebay.com/Hand-of-Midas-Pewter-Pendant-Wicca-Neopagan-Goth-Rock_W_QQitemZ۲۸۰۰۹۴۶۳۹۴۷۹QQcategoryZ۶۰۱۰۸QQcmdZViewItem)

یک کتیبه آشوری از میتا به عنوان متحد سارگون آشوری در سال ۷۰۹ ق.م نام می‌برد. تحت حکومت گوردیاس و میداس، پادشاهی فریژی در قرون هشتم و هفتم ق.م دارای روابط تجاری نزدیکی با همسایگان شرقی و یونان در غرب بود.

(<http://www.answers.com/topic/tumulus>)

میداس توانست حدود سال ۷۲۸ ق.م به تخت بنشیند و از مرزهای فریژی به طور کامل حفاظت کند اما سرانجام او در برابر حملات

تونل زدند. امروزه بازدیدکنندگان برای دیدن آرامگاه یا اتاق تدفین باید حدود ۱۰۰ متر را پیاده به طرف مرکز تپه ببینند.

(<http://www.sasupenn.edu/nmiller/ecopark.htm>)

مشخصات ظاهری تومولوس میداس:

این تومولوس ۵۳ متر ارتفاع و ۳۰۰ متر پهنا دارد. اتاق بزرگ تدفین (تصویر ۱۳) (تقریباً مربع شکل) ۲۰/۱۵×۵/۵ متر است.

(http://www.geocities.com/anadolu_muzesi/urartu/phrigya.html)

مهارت نجاران و صنعتگران گوردیون باستان از استادان آن‌ها در استفاده از سدر مقاوم به تجزیه برای تابوت والوارهای کف آرامگاه و هم چنین کاربرد قطعات بزرگ سروکوهی روی سطح خارجی (اتاق) برای محافظت دیوارهای صنوبری اتاق داخلی مشخص می‌شود. اسکلت شاه میداس داخل تابوتی از چوب سدر گذاشته شده و به وسیله میزهای چوبی دیگری که مملو از هدایا برای دنیای پس از مرگ بود، احاطه شده بود.

www.panas.org/cgi/content/abstract/98/23/13346

وضعیت اسکلت و استخوان‌ها نشان می‌داد که شاه میداس هنگام مرگ حدود ۶۵-۶۰ سال سن داشته که در آن زمان سالخورده و پیر محسوب می‌شده است، اما ردیف سالم دندان‌های او نشان می‌داد که او مردی سالم و تندرست بوده است. اندازه قد او ۱/۵۹ متر تعیین شد. روی میز چوبی تشریفاتی که در گوشه‌ای از اتاق داخلی مقبره قرار داشت، گنجینه‌ای از ظروف مفرغی اطراف اسکلت را فرا گرفته بود. جمعاً در این اتاق ۱۶۶ هدیه تدفینی برنزی و ۱۴۵ فیبولا (سنجاق قفل) برنزی به دست آمد. به همراه جسد بقایای مراسم تدفین، بهترین مجموعه ظروف نوشیدنی عصر آهن شامل ظروف متنوع سفالی و برنزی، هدایای خوراکی و میلمان (میزهای) چوبی قرار داده بودند. فقدان طلا نشان می‌دهد که در میان فریژی‌ها

41- Anatolian Civilizations

42- Plato, Phaedrus 264d

43- Sargon

44- Mushki

45- Cimmirian

گفته می‌شود که در این روز ساحل رودخانه از حماقت شاه به رنگ طلا درآمد.

(http://www.channel۴.com/history/microsites/K/king_midas/fact.html)

در داستان دیگری از شاه خواسته شده که یک رقابت موسیقی بین آپولو خدای موسیقی، روشنایی و پیش گوئی که جنگ می‌نواخت و ساتیری^{۴۶} به نام مارسسیاز^{۴۷} که ساز فلوت می‌زد را داوری کند (تصویر ۱۲). گفته می‌شود تمولوس^{۴۸} خدای کوهستان و پدرا مفییل^{۴۹} (معضوقه هرکول اول^{۴۹}) نیز که از جمله داوران بود، برد آپولو را اعلام کرد اما میداس عقیده داشت که باید مارسسیاز برنده باشد. این رأی باعث شد که آپولو میداس را مخاطب قرار دهد که: "از این پس تو گوش‌هایی خواهی داشت که با ذهنیتت در قضاوت هم خوانی داشته باشد" (این جمله برگرفته از هیجینوس فایبولای^{۵۰} می‌باشد) و به محض این که خدا این جمله را بیان کرد گوش‌های یک الاغ روی سر شاه میداس شروع به نمایان شدن کرد. میداس که پس از تحمل این رسوائی به پنهان کردن این مشکل می‌اندیشید، یک کلاه بلند ارغوانی برای پوشیدن گوش‌های جدیدش به سر گذاشت، اما غلامی که موه‌ای او را آرایش می‌کرد به راز سرورش پی برد و بنابراین میداس آرایشگرش را مجاب کرد تا سوگند بخورد که از این جریان چیزی به کسی نگوید. با این وجود نگهداشتن این راز برای آرایشگر سنگینی می‌کرد و او وسوسه شد که راز شاه را لو بدهد و چون جرأت این کار را نداشت بیرون از شهر چاهی کند و راز گوش‌های سرورش را درون آن ریخت و سبک شد. سپس دوباره چاه را با خاک پر کرد تا صدایش به جایی نرسد. اما بهار سال بعد که نی‌ها از آن مکان روئیدند وقتی باد در میان آن‌ها وزید این ترنم را سردادند: میداس گوش‌های الاغی دارد و بدین ترتیب این راز را به گوش همه رساندند.

(<http://homepage.mac.com/cparada/GML/Midas.html>)

صرف نظر از داستان فوق می‌توان دوشخصیت با نام میداس را از هم دیگر تمیز داد: اولین میداس پسر سیبیل^{۴۶} مادر خدایان است.

کیمیری‌های^{۴۵} پیش تاخته از نواحی قفقاز نتوانست مقاومت کند و نقل است بعد از شکست از کیمیری‌ها بانوشیدن خون گاوتر اقدام به خودکشی کرده است.

(http://www.geocities.com/anadolu_muzesi/urartu/phrigya.html)

بنا به گزارشی که بعدها توسط هرودت نوشته شد، گوردیوم در ۶۹۶ ق.م به دست کیمیری‌ها افتاده، غارت و به آتش کشیده شد. (<http://www.answers.com/topic/tumulus>)

افسانه حس لامسه طلائی

نسخه‌های متعددی از نوشته‌های یونانی درباره افسانه میداس وجود دارد، اما یک روایت این است که یک ساتیر^{۴۶} مست، نیم انسان - نیمه بز به نام سیلنوس^{۴۷} که دست راست دیانیوس^{۴۸} خدای شراب بود، راهش را گم کرد و خسته از میگساری در تاناکستان میداس خوابید. عده‌ای از باغبان‌های میداس او را گرفته پیش شاه آوردند. میداس به او بسیار الطافات و مهمان نوازی کرد و وقتی دیانیوس ملتفت این مهربانی شد، به شاه تحقق رؤیایش را نوید داد. شاه تقاضا کرد که به او قدرتی دهد تا به هر چیزی که دست می‌زند تبدیل به طلا شود و خدا نیز چنین کرد. در ابتدا میداس از این هدیه بسیار شاد شد چرا که فکرمی‌کرد او ثروتمندترین مرد جهان خواهد شد. اما حماقت او وقتی آشکار شد که غذایش در مقابل دیدگان متحیرش تبدیل به طلا گشت. او به زودی دریافت که توانائی جدیدش مانع غذا خوردنش گشته و باعث شده که او گرسنه بماند. در اوج گرسنگی و یأس او دختر جوانش را در آغوش گرفت ولی متوجه شد که او را نیز تبدیل به طلا کرده است. شاه از شدت غصه تحلیل رفت و از دیانیوس خواهش کرد که او را از شر این حس طلائی راحت کند. سرانجام خدا راضی شد و به میداس گفت که در رود پکتولوس (شاخه‌ای از هر موس در مائونیا^{۴۹} نزدیک سارد در ترکیه امروزی) آب تنی کند. میداس این چنین کرد و دخترش را نیز در آب شست و او را به زندگی بازگرداند.

46- satyr

47- Silenus

48- Dionysus

49- Hermus in Maeonia

50- Satyr موجودی نیمه انسان و نیمه بز در افسانه‌های یونانی

51- Marsyas

52- Tmolus

53- Omphale

54- Hera cles I

55- Hyginus, Fauble 191

56- Cybele

مؤسس آنسیرا^{۶۸} که امروزه آنکارا نامیده می‌شود نیز یاد می‌شود. بعضی موارد مشابه به وسیله کتن^{۶۹} ادعا شده است از جمله او می‌گوید: میداس پس از آن که شاگرد ارفئوس^{۷۰} در کوه پیریا^{۷۱} شد، به مردمش اجازه داد تا از طریق هلس پونت^{۷۲} از اروپا عبور کنند و در آن سوی میسیا در آسیای صغیر ساکن شوند کتن اضافه می‌کند که فریژی در اصل بریگینز خوانده می‌شد اما با دگرگونی واژه به فریژی تغییر شکل داد.

(<http://homepage.mac.com/cparada/GML/Midas.html>)

چهره‌ی اسطوره‌ای شاه میداس در تعدادی از نوشته‌های یونان باستان الهام بخش این داستان‌ها بوده و این باور راکه شاه میتا حکمران فریژی در قرن هشتم ق.م همان شاه میداس اسطوره‌ای بوده تقویت نموده است. میداس در اسناد آشوری یک موشکی^{۷۳} و در منابع یونانی از فریژی هاست. شاید او هردوی آن‌ها باشد یا ممکن است این دو، هر کدام شخصی مجزا باشند.

(<http://en.wikipedia.org/wiki/Tumulus>)

بررسی‌های آزمایشگاهی:

بررسی‌هایی بر روی اسکلت به دست آمده از تومولوس میداس به ویژه قسمت سر آن صورت گرفت تا شاید ارتباطی بین آن و نوشته‌های اساطیری مشخص شود. از آزمایش اسکلت منسوب به میداس این موضوع مشخص شد که سر او مانند سربیک بچه به صورت محکمی مقید شده و در نتیجه دارای قالب کشیده‌ای بوده است. اگرچه این موضوع به داستان میداس و گوش اوبی ارتباط نمی‌باشد، اما بیشتر به نظر می‌رسد که یک امتیاز ویژه شاهی در گذشته بوده است. یک سر کشیده یا دراز احتمالاً در زمان میداس نشانی از پادشاهی بوده است.

(http://www.channel۴.com/history/microsites/K/king_midas/fact.html)

این همان شاه میگدونین است که بین آپولو و مارس‌یاز قضاوت کرد. هم چنین ماجرای سیلنوس هنگام لشکرکشی دیونیوس به هند نیز مربوط به همین میداس است، همین طور است برای میداسی که حس لامسه طلائی و گوش‌های بلند داشت. میداس دومی پسر گوردیوس^{۷۴} اول و پدر گوردیوس دوم بوده است. این همان میداسی است که در نوشته‌های یونانی باقی مانده از هرودت آمده که او به دلفی^{۷۵} هدیه داده است که این موضوع مربوط به قبل یا کمی بعد از سال ۷۰۰ ق.م می‌باشد. نقل است که گوردیوس دوم پسر میداس و پدر آدراستوس^{۷۶} بطور تصادفی برادرش راکشت و وقتی که خواست به وسیله کروزوس شاه لیدی تطهیر شود، کروزوس او را تطهیر داد اما بعدها آدراستوس فرزند او نیز به همان شیوه و به صورت اتفاقی پسر کروزوس راکشت. میداس دومی کسی است که در زمان حمله کیمیری‌ها با نوشیدن خون گاونر خودکشی کرد (در هجوم سال ۶۹۶ ق.م طبق گفته سودا^{۷۷}). یک دلیل برای این تمایز این است: اگر میداس اولی به عنوان هم دوره ارفیوس یا سیلنوس تلقی شود، هم چنانکه کُتن می‌گوید، پس با احتمال نامی تواند همان میداسی باشد که پدر بزرگ آدراستوس تطهیر شده به وسیله کروزوس بوده است و بین این دو (میداس) حدود ۶۰۰ سال فاصله وجود دارد.

(<http://homepage.mac.com/cparada/GML/Midas.html>)

در کتیبه‌های آشوری آمده است که قبل از سال ۷۰۰ ق.م سربازان آشوری در ناحیه تائوروس^{۷۸} (در ترکیه جنوبی) با سربازان میتا^{۶۹} از موشکی^{۶۴} جنگیدند و احتمالاً این همان میداس دوم است، که این جا به عنوان شاه بیشتر مردم شرق موسچی^{۶۴} (مشج) شناخته می‌شود. میداس هم چنین شاه میگدونیا^{۶۵} خوانده می‌شود. میگدونی‌ها در اصل مردمی از تراس بودند که به فریقیه مهاجرت کردند، کشوری با مرزهای نامشخص. میگدونیا لیدی نیز خوانده می‌شود، ناحیه‌ای در آسیای صغیر غربی بین کاریا^{۶۶} و میسیا^{۶۷} هم چنین از میداس به عنوان

57- Gordius
58- Delphi
59- Adrastus
60- suda
61- Taurus
62- Mita
63- Mushki
64 - Moschi

65- Mygdonia
66- Caria
67- Mysia
68- Ancyra
69- Conon
70- Orpheus
71- Pieria
70- Hellespont
73- Mushki,

ناتوانی در باز خوانی و تعبیر مواد ارگانیک (آلی) باعث شد که مدارک زیادی بدون بوئیدن، چشیدن و کندوکاو رها شود. امروزه پس از گذشت بیش از چهاردهه از کشف و حفاری این مقبره و با وجود پیشرفت‌های تکنولوژیکی زیاد با کمک نوع جدیدی از باستان‌شناسی این مهم تحقق یافته است. پاتریک مک گاورن^{۷۴} علم جدیدش را باستان‌شناسی مولکولی^{۷۵} می‌نامد. مک گاورن دانشمند دانشگاه پنسیلوانیا تکنیک‌هایی از شیمی تحلیلی^{۷۶} و زیست مولکولی^{۷۷} برای تشخیص بقایای خشکیده مراسم تدفین شاه میداس استفاده کرد. نتیجه منتشر شده در مجله نیچر^{۷۸} یک فهرست متنوع غذایی از جمله چاشنی‌ها و ادویه جات داخل گوشت و اجزا مشروبات ترکیبی^{۷۹} (ترکیب شراب و مشروبات دیگر) را نشان داد. مک گاورن می‌گوید: این تکنیک‌ها امکان تعیین این که کدام مردم واقعا این کار را انجام دادند، انواع لباس‌هایی که می‌پوشیدند، انواع بناهایی که برپا می‌کردند و غذا و نوشیدنی که مصرف می‌کردند را فراهم می‌کند. در باور عموم صحنه‌های متعالی حفاری‌های باستان‌شناسی همیشه به یک شکل است؛ یک باستان‌شناس کنجکاو قبری را می‌گشاید، چراغی به تاریکی‌ها می‌اندازد و نتیجه آن را در حدسیات ماجراجویانه می‌جوید. پاتریک مک گاورن بزرگترین کشفش را نه در آسیای صغیر بلکه در یک قفسه کتاب در کالج جستجو کرد. آزمایشات مک گاورن نشان داد که میداس ۶۵-۶۰ ساله دارای لب پائینی برآمده و جمجمه‌ای که به طرز عجیبی در قسمت عقب آویزان است، بوده است. مک گاورن می‌گوید لب میداس احتمالا بر اثر یک تصادف ناشی از اسب سواری تغییر شکل داده بود و مشکل سراسر او نیز مربوط به گهواره‌هایی بوده که در دوره فریزی استفاده شده است. برای ایجاد قالبی از سر شاه میداس، جان پراگ^{۸۰} باستان‌شناس و ریچارد نیو^{۸۱} پزشک ابتدایک قالب از جمجمه اصلی در موزه تمدن‌های آناتولی آنکارا ساختند. سپس تکنیک جدیدی را به کار برد که در کار پلیسی برای احیا و نوسازی بافت‌های نرم استفاده شده و با استفاده از آن ماهیچه‌ها، غضروف و پوست لایه به لایه روی استخوان‌های جمجمه بازسازی می‌شوند.

محتویات ارگانیک تومولوس میداس به صورت شیمیائی آنالیز شد. آنالیزها نشان داد که یک خوراک چاشنی دارگوسفندیاز بز به وسیله سوگوران در مراسم ضیافت قبل از خاکسپاری مورد استفاده قرار گرفته است. هم چنین یک مشروب تخمیری، مرکب از شراب انگور، آب جو و مید^{۸۲} (نوشابه ای الکلی مرکب از عسل، آب، مالت و ماده مخمر) مورد شناسائی قرار گرفت که در عصر آهن رایج بوده است. شرایط نگهداری به طرز فوق العاده‌ای در داخل مقبره میداس یعنی قدیمی‌ترین بنای چوبی سالم در جهان عالی بود. بدن این مرد ۶۵-۶۰ ساله بر روی توده ضخیمی از منسوجات رنگی داخل یک تابوت چوبی کنده کاری شده بی نظیر گذاشته شده بود. ارتباط جسد به شاه میداس قویاً به وسیله اندازه بزرگ بنای تپه خاکی بالای مقبره، غنای اشیاء تدفینی و کتیبه‌های هم زمان آشوری تأیید می‌شود. تابوت و ۱۴ قطعه از میلان چوبی فاخر پس از این که در مراسمی مورد استفاده قرار گرفته اند به داخل مقبره منتقل شده اند. بازسازی شیمیائی مواد خوراکی مراسم بر اساس بررسی ترکیبات آثار انگشت حفظ شده، صورت گرفته است. تری اسیل گلیسرول‌هایی که بیشتر مشکل از اسیدهای چرب اشباع شده پالمیتیک^{۸۳} و استئاریک^{۸۴} با مقادیر کم اسید چرب غیر اشباع اولئیک^{۸۵} بوده، در این پس مانده‌ها یا رسوبات از لحاظ مقدار غالب است. وجود این ترکیبات به اضافه کلسترول و اسیدهای اشباع شده کاپروئیک، کاپریلیک و کاپریک^{۸۶} می‌تواند بهترین دلیل برای استفاده از چربی گوسفند و بز باشد.

(<http://www.nature.com/nature/journal/v402/n6764/full/402863a.html>)

حفاری‌یانگ برای موزه دانشگاه پنسیلوانیا یک حساسیت بین المللی ایجاد کرد اما مانند بیشتر حفاری‌های آن روزها این مورد نیز بیشتر به توصیفات صرف محدود می‌شد. باستان‌شناسان روی بناهای ویرانه و ظروف شکسته تأمل می‌کردند اما روی کالاهای کم دوام، پارچه، چوب، چرم و غذا از خود کم کاری بروز می‌دادند. آن‌ها توانستند شرح دهند که چگونه یک مقبره بزرگ برپا شده است اما

74- honey mead
75- palmitic (C16)
76- stearic (C18)
77- oleic (C18:1)
78- caproic, caprylic and capric acids
79- Patrick McGovern
80- molecular archaeology

81- analytic chemistry
82- molecular biology
83- journal Nature
84- punch
85- John Prag
86- Richard Neave

به نیتروژن پائین است نشان دهنده وجود غنای نیتروژنی است. تغییر در این نسبت (کربن به نیتروژن) در اثر کاهش ساکاریدها، لیگنین و افزایش تراکم) نیتروژن به وسیله قارچ‌های ایجاد می‌شود.

(<http://www.carnegieinstitution.org/Spectra2002SpringHTML/filley.html>)

یافته‌ها روشن می‌کند که چرا بسیاری از مصنوعات داخل مقبره با وجود این حقیقت که از چوب مقاوم به پوسیدگی ساخته شده بودند، دچار تخریب شده اند (تصویر ۴).

فیلی می‌گوید: علائم شیمیایی و شکل تجزیه در جایی که بدن شاه گذاشته شده بود (تابوت) و هم چنین روی میزهای خوراک اطراف تابوت بسیار شدید بوده است که نشان می‌دهد قارچ‌ها به وسیله نیتروژن بدن شاه و منابع غذایی قرار داده شده در مقبره تغذیه می‌شده اند. اومی‌گوید: نتایج ما طبیعت لطیف چوب باستانی را در مقبره نشان داد و ثابت کرد که یک تعادل مناسب باید بین محیط، منابع مواد مغذی و اجتماع میکروبی برقرار باشد تا از فساد ممانعت شود. آنالیزهای اولیه تابوت، ائاثیه چوبی و ساختمان مقبره به وسیله رابرت بلانچت والیزابت سیمپسون^{۸۸} نشان داد که علت اصلی پوسیدگی یک قارچ سافت-روت^{۸۹} بوده است که معمولاً باعث آسیب شدید به چوب نمی‌شود. فیلی می‌گوید: اگرچه شرایط محیطی حاکم بر داخل مقبره در ۲۷۰۰ سال گذشته نسبتاً خشک بوده است، اما آب قلیائی نفوذ یافته از میان مصالح زیاد آهکی تبه به داخل مقبره ی چوبی مدفون، شرایط ایده آلی را برای فعالیت و تکثیر این گونه ی مشخص قارچی فراهم نموده است. در نتیجه قارچ‌ها بدون رقابت با سایر میکروب‌های تجزیه کننده چوب توانستند منابع نیتروژن موجود در مقبره را مورد مصرف قرار دهند

برای تعیین منابع مواد مغذی که قارچ‌ها مصرف کرده بودند، فیلی ایزوتوپ‌های نیتروژن پایدار یافت شده در چوب و سایر مصنوعات مقبره را آنالیز کرد. ایزوتوپ‌ها فرم‌هایی از یک عنصر اند که اختلاف اندکی در تعداد نوترونشان دارند اما تعداد پروتون‌هایشان برابر است. آزمایش مورد استفاده به وسیله فیلی و کالیگوس^{۹۰} برای یافتن مقادیری از دو شکل نیتروژن طراحی شد: نیتروژن ۱۴ که بیشترین مقدار نیتروژن

(http://www.findarticles.com/p/articles/mi_511/is_11_21/ai_66456954)

ضیافت شاه میداس تقدیم فرصت طلائی به قارچ‌ها:

چوب در مقبره‌های باستانی معمولاً به صورت پوسیده به دست می‌آید که این وضعیت کار شناسائی محیط، جیره غذایی، بهداشت، و اعمال فرهنگی سازندگان آرامگاه و ساکنان را محدود می‌کند. تخریب طبیعی ساخته‌های چوبی در سایت‌های باستانی به طور جدی مانع از توانائی انسان شناسان و باستان شناسان برای احیای اعمال فرهنگی و شرایط محیط اصلی می‌شود. این به ویژه موقعی صحیح است که چوب زمان‌های زیادی بامواد نظیر خوراکی‌ها و بقایای انسانی دفن شده باشد، جایی که بافت‌های غنی پروتئین مواد غذایی لازم را برای میکروب‌های تجزیه کننده چوب فراهم می‌کنند و باعث فروپاشی سریع مصنوعات قابل تجزیه می‌شود.

www.panas.org/cgi/content/abstract/98/23/13346

مطالعات جدید نشان داده که غذای دفن شده به همراه شاه میداس و هم چنین (بدن) خود او یک ضیافت مفصل برای گونه ای معمولاً بی خطر از قارچ‌ها ایجاد کرد که منجر به پوسیدگی شدید مقبره شاه شد. تیموتی فیلی^{۸۷} پروفیسور بیوتوشیمی در دانشگاه پورد و مطالعه ای را هدایت نمود که مرکب از آنالیزهای ایزوتوپ نیتروژن پایدار و نمونه‌های میکروسکوپی چوب مقبره بود.

(<http://www.scienceblog.com/community/older/2001/D/200114094.html>)

هدف از این کار پاسخ به سه پرسش بود:

۱- کدام منابع مواد مغذی مورد استفاده قارچ‌ها قرار گرفته بود؟

۲- آیا تجزیه میکروبی در زمان‌های مختلفی روی داده بود؟

۳- آیا امکان تشخیص جیره غذایی شاه وجود داشت؟

پژوهشگران از نمونه‌های چوبی تابوت شاه، میزها و قسمت‌های ساختمانی مقبره برای اندازه گیری نسبت‌های کربن به نیتروژن و مقادیر نیتروژن ۱۴ و نیتروژن ۱۵ استفاده کردند. وقتی نسبت کربن

87- Timothy Filley

88- Elizabeth Simpson

89- Soft-rot

88- colleagues

90 - Dr. İlhan Temizsoy

درمقابل بادهای قوی آناتولی مانع از فرسایش و جدا شدن خاک می‌شود و فشار آب را بر خاک سطحی کاهش می‌دهد. به علاوه چون که ریشه‌های گیاهان آب را جذب می‌کنند حجمی از آب که به پائین تپه می‌رسد، نیز کاهش می‌یابد.

(<http://www.sas.upenn.edu/nmiller/ecopark.htm>)

در آوریل ۱۹۹۶ هیئت مدیره بناهای یادبود و موزه‌ها، دیوار یا نرده ای برای ممانعت از ورود مردم و حیوانات بر روی تپه ایجاد کرد. در تابستان ۱۹۹۷ سبزه‌ها و سایر گیاهان شروع به گسترش در نقاط دارای حفاظ کردند. یک مشکل جدی باقی مانده بود، کانال‌های عمیق ناشی از فرسایش آب. بنابراین تصمیم گرفته شد که کانال‌ها با خشت خام پوشانده شوند و مقداری بذر بین ردیف‌های خشت قرار بگیرد. در ۱۹۹۸ برنامه ای برای بازبینی پوشش گیاهی در نظر گرفته شد. چه نوع گیاهی برای اجرای این هدف بهتر است؟ یک گونه گیاهی به تنهایی برای این کار مناسب نیست. دامنه‌ها انواع باد، آب و هوا و شرایط مرطوب را تجربه می‌کنند. داشتن یک تنوع گسترده گیاهی باعث اطمینان از رشد خوب و مداوم برای بعضی گونه‌ها در یک سال خشک و برای گونه‌ی دیگر در شرایط مرطوب یک سال سرد و یا برای گونه‌ای دیگر در یک سال گرم می‌شود. پوشش گیاهی بومی آناتولی مرکزی یک مجموعه گیاهی مناسب و ویژه را به وجود آورده است، آن‌ها در این محیط رشد و نمو یافته‌اند و احتیاجی به آبیاری یا مراقبت‌های هزینه بر ندارند. پوشش گیاهی بومی شامل بسیاری از انواع گیاهان چندساله یا پروام است که در طول تابستان یا گردش سال، سبزی باقی می‌مانند. باین وجود حتی وقتی گل‌های وحشی بهاری از بین بروند هم چنان بر روی تومولوس سبزی باقی مانده است. سطح کانال‌های فرسوده و شیب دامنه‌های بالای بی ثبات اند. نیروی جریان آب در آبراه‌ها قادر است حتی سنگ‌های نسبتاً بزرگ را به پائین دامنه انتقال دهد. یک راه ساده و مؤثر استفاده از خشت در کف آبراه‌ها است چرا که خشت‌های خام توانایی از هم پاشیدن تدریجی و چسبیدن به ته کانال‌ها در هنگام پیشروی باران‌های زمستانی را دارند. در پائیز ۱۹۹۷ خشت‌هایی درون دو کانال فرسایش یافته قرارداد شد. در یک کانال خشت‌ها در ردیف‌هایی به فاصله ۵ سانتیمتر قرار گرفتند. مقداری بذر وحشی که بین ردیف‌ها پاشیده شده بود جوانه زدند. در مجموع گیاهان وحشی مختلف که خودشان بذرافشانی

موجود در طبیعت را تشکیل می‌دهد و نیتروژن ۱۵ که یک فرم سنگین تر از نیتروژن می‌باشد. فیلی می‌گوید: سطوح بسیار بالا از نیتروژن ۱۵ یافت شده در چوب تابوت، هم چنین در میزهای اطراف تابوت نشان داد که بدن شاه به عنوان یک منبع اصلی نیتروژن از طرف قارچ تجزیه کننده چوب به کار رفته است. او می‌گوید: در حالی که همه موجودات، مقادیر کمی از فرم سنگین نیتروژن را دارند، موجودات بالاتر زنجیره غذایی دارای مقادیر بیشتری هستند.

سطوح بالا از نیتروژن ۱۵ یافت شده در چوب اطراف تابوت، نشان دهنده یک جیره غنی از گوشت است. فیلی می‌گوید: غذای مراسم تدفین که از گوشت‌های بریان تشکیل شده بود، مواد مغذی را برای قارچ فراهم می‌کرد که گواهی آن پوسیدگی شدید سطح میزهایی است که غذا روی آن‌ها گذاشته شده بود. او می‌گوید: اینکه چه مدت اجتماع قارچی روی بدن شاه دوام داشته یک موضوع قابل تأمل است، اما پوسیدگی گسترده یافت شده در سراسر سردر و الوارهای صنوبر نشان می‌دهد قارچ‌های سافت-روت برای قرن‌ها و شاید هزاره‌ها در مقبره باقی مانده‌اند. او اعتقاد دارد که قارچ ابتدا روی بدن شاه مانور داده و از بدن او به عنوان یک پایگاه اصلی برای تکثیر و اسکان در سایر قسمت‌های مقبره در طول زمان استفاده کرده است. فیلی می‌گوید: یافته‌ها ممکن است راهی را برای ممانعت از زوال بیشتر نشان دهند. شناسایی و ردیابی منابع مواد مغذی (مصرفی) میکروب‌ها و ارتباط آن به علم شیمی که به تجزیه چوب مرتبط است، ممکن است راه‌هایی را برای مهار رشد قارچ در سایت‌های تاریخی موجود نشان دهد. نتیجه این مطالعات در اکتبر ۲۰۰۱ چاپ شد.

(<http://www.scienceblog.com/community/older/2001/D/200114094.html>)

استفاده از پوشش گیاهی برای جلوگیری از تخریب

تپه‌های باستانی:

چند سال قبل دکتر ایلجان تمیزسوی^{۱۱} سرپرست موزه تمدن‌های آناتولی درباره فرسایش خاک قسمت بیرونی تومولوس میداس اظهار نگرانی کرد. فرسایش به وسیله باد و آب بیشترین تهدید را برای سطح تپه ایجاد می‌کرد. مؤثرترین راه برای کاهش نقصان خاک این است که یک پوشش پیوسته گیاهی بر روی تپه ایجاد شود. پوشش گیاهی

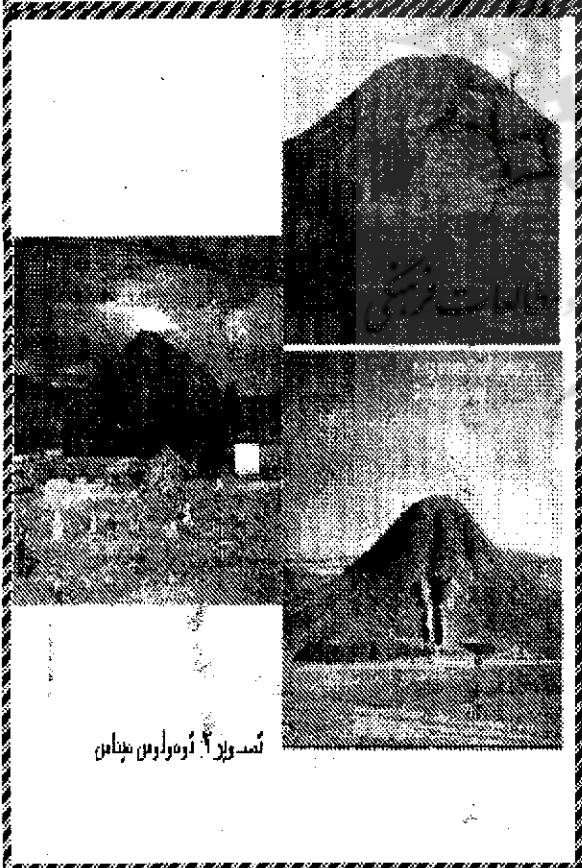
می‌کنند در کانال در امتداد سبزه‌ها می‌رویند. در کانال دومی فاصله ردیف‌های خشتی به جای ۵ سانتیمتر ۳۰ سانتیمتر در نظر گرفته شد و فقط مقدار کمی بذریں آن‌ها کاشته شد. با آن که تعداد خشت‌ها حداقل بود گیاهان زیادی اعم از یکساله و چند ساله رشد کردند.

کتابشناسی:

- 1- <http://www.answers.com/topic/tumulus>
- 2- <http://en.wikipedia.org/wiki/Gordium>
- 3- <http://www.scienceblog.com/community/older/2001/D/200114094.html>
- 4- <http://en.wikipedia.org/wiki/Tumulus>
- 5- <http://www.nature.com/nature/journal/v402/n6764/full/402863a0.html>
- 6- http://www.findarticles.com/p/articles/mi_m1511/is_11_21/ai_66456954
- 7- <http://homepage.mac.com/cparada/GML/Midas.html>
- 8- http://www.channel4.com/history/microsites/K/king_midas/fact.html
- 9- <http://www.carnegieinstitution.org/Spectra2002SpringHTML/filley.html>
- 10- <http://www.sas.upenn.edu/nmiller0/ecopark.htm>
- 11- <http://www.allaboutturkey.com/gordion.html>
- 12- http://www.geocities.com/anadolu_muzesi/urartu/phrigya.html
- 14- http://cgi.ebay.com/Hand-of-Midas-Pewter-Pendant-Wicca-Neopagan-Goth-Rock_W0QQitemZ280094639479QcategoryZ60108QQcmdZViewItem



فسوزا، مویبدا آنطولی، نوزده و سیستون رتون در هشه



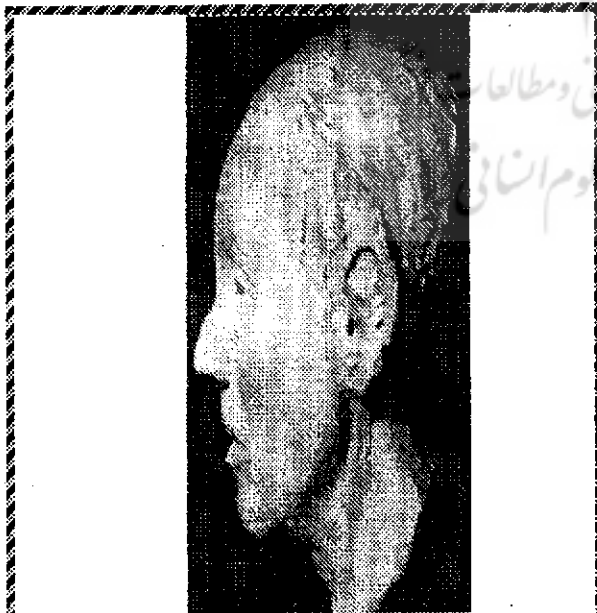
فسوزا، نوره ارس بنیان



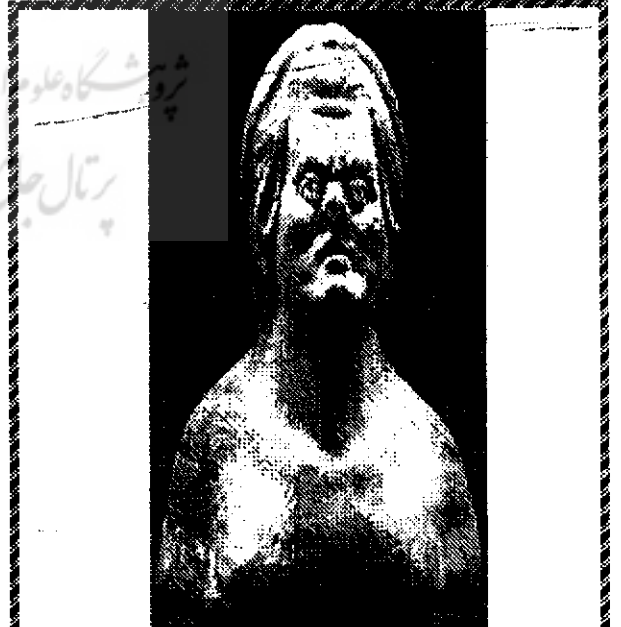
تصویر آ. نومولوس مہاس



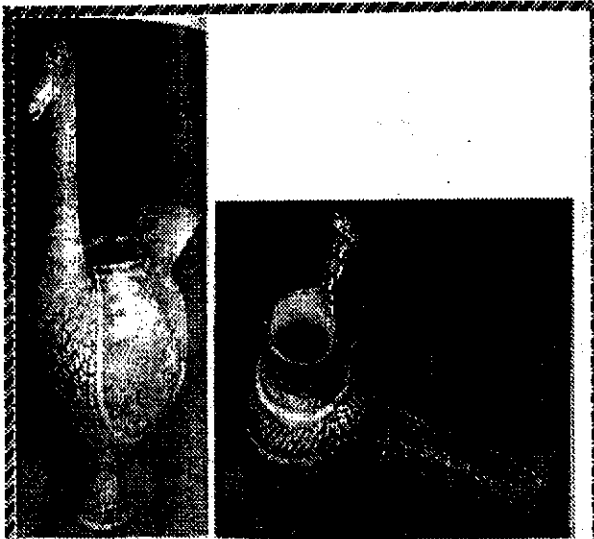
تصویر ب. چوب مکر، مہاس، در املج مہرلی و مکر و مکرلی



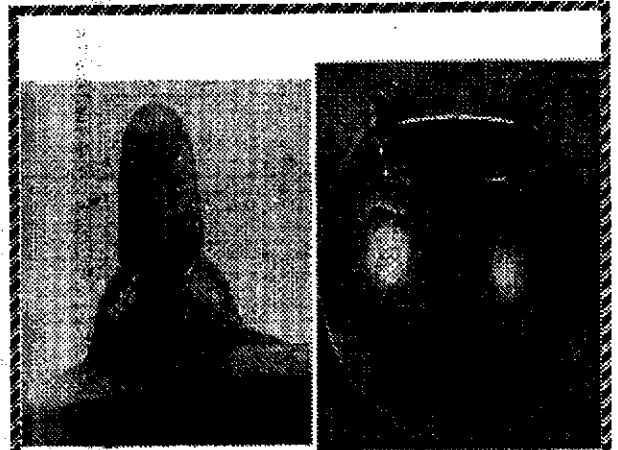
تصویر ۵. تلی جدید از سر مہاس



تصویر ۶. مجسمہ سغلی مہاس از گور دیون جو کتاع ۳۹ ساقم



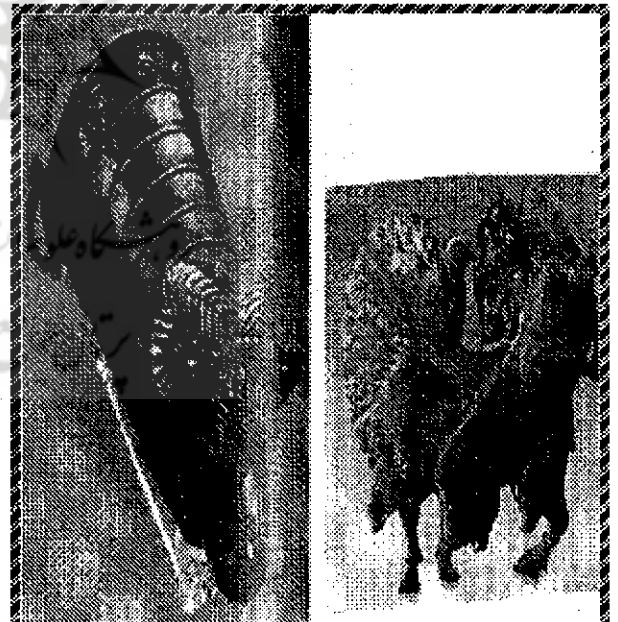
تصویر ۷: سمت راست، ظرف سفالی بلوکه آبریزنده از گور دین مریم به آغاز سده هفتم ق.م. بلوغ ۸ سانتیمتر
سمت چپ، ظروف آبخوری مشرفی (آبی) به شکل یک غل از ساسان، بلوغ ۳۷ سانتیمتر مربوط به آغاز سده هفتم ق.م. سمت راست از نومولوس بزرگ



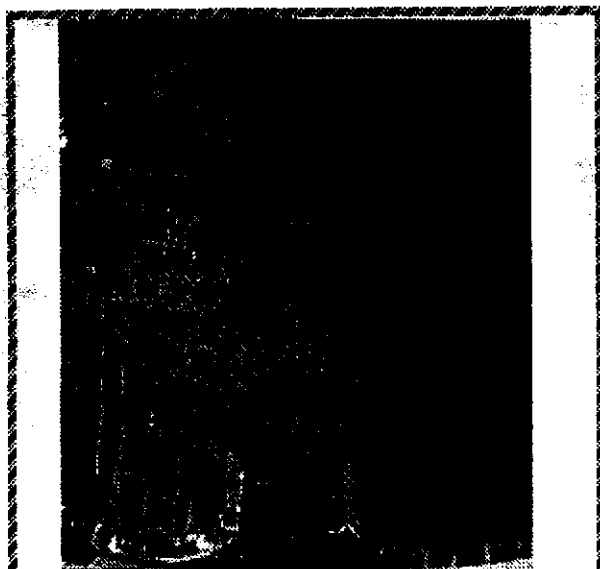
تصویر ۸: سمت راست، جگ برنزی مدین به چهار سده به شکل درزی بلوغ ۵ سانتیمتر از نومولوس بزرگ
سمت چپ، درزی ملوروی همجگ از ساسانی نزدیکتر



تصویر ۹: سمت راست، جام برنزی امپالوس از نومولوس بزرگ گوردین مربوط به پایان سده هشتم ق.م. بلوغ ۱۵۷ سانتیمتر
سمت چپ، یک ظرف برنزی دسته دار بلوغ ۱۸ سانتیمتر از نومولوس بزرگ



تصویر ۱۰: سمت راست، سبک یازی جویی به شکل یک شیر و گاو
از نومولوس بزرگ گوردین بلوغ ۱۸ سانتیمتر
سمت چپ، سطل برنزی آب به شکل قوچ بلوغ ۲۲ سانتیمتر از نومولوس بزرگ

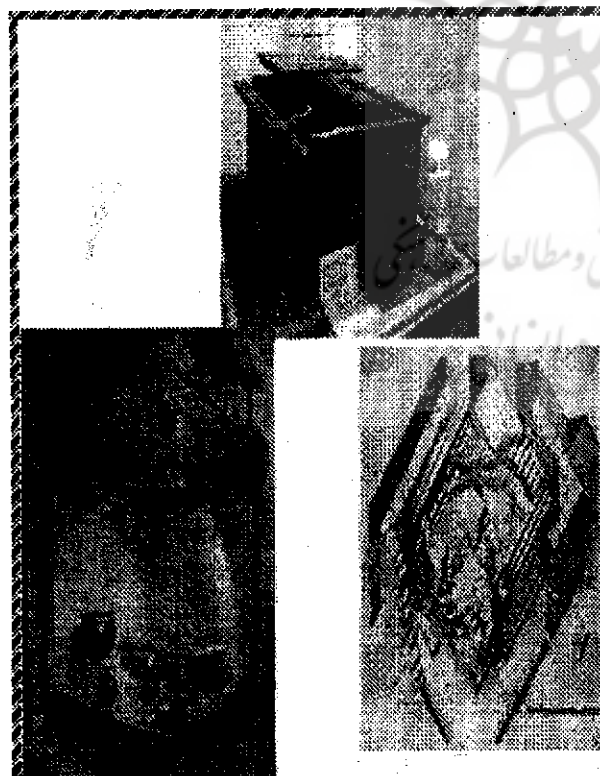


تصویر ۱۱ پوشش میز چوبی توپولوس بزرگ گوردیون
پایان سده هشتم و نیم، بارقاع، سلطنتیتر



تصویر ۱۲: راسته طرحی از مراسم فین در مغاره جیداس

تصویر ۱۳: جنبه طرحی از مسابقه آپولو و ماریس



تصویر ۱۴: بدنه و طرحهای از اتاق مغاره و داخل آن



تصویر ۱۵: نقش خانگی (رامک) و خارجی (چپ) اتاق مغره

سازمان: <http://www.org/dark/godurd/godurd.html>